حادثه‌ها

جزئیات اصابت گلوله به دختر جوان در تعقیب و گریز پلیسی

• فرمانده انتظامی تهران بزرگ توضیحی را درباره ماجرای تیرخوردن دختر جوان در میانه تعقیب و گریز پلیس با مجرمان در محدوده سردارجنگل ارائه داد. سردار حسین رحیمی گفت: چندی پیش همکاران من با یک خودروی مشکوک برخورد کرده و دستور توقف این خودرو را صادر کردند، اما راننده و سرنشینان این خودرو بدون توجه به دستور ایست پلیس پا به فرار گذاشته و در این حین تعقیب و گریز در مسیر طولانی میان پلیس و این مجرمان شکل گرفت. رحیمی با بیان اینکه مجرمان سارق بودند، گفت: در میانه تعقیب و گریز این افراد اقدام به شلیک به سمت خودروی پلیس کرده و سعی داشتند از این طریق از دست پلیس فرار کنند. در همین راستا مأموران پلیس نیز ضمن رعایت قانون به‌کارگیری سلاح اقدام به تیراندازی به سمت این افراد کردند. فرمانده انتظامی تهران بزرگ با بیان اینکه در جریان شلیک متأسفانه گلوله‌ای به یک دخترخانم جوان در محدوده خیابان سردارجنگل اصابت کرد، گفت: ایشان دچار مصدومیت شده و بلافاصله عملیات از سوی مأموران ما متوقف شده و امدادرسانی به این خانم جوان در دستور کار قرار گرفت و ایشان به بیمارستان منتقل شد. رحیمی با بیان اینکه دختر جوان سریعا به بیمارستان منتقل شده و تحت درمان قرار گرفت، افزود: در آخرین بررسی‌ای که انجام دادیم خوشبختانه با اقدامات انجام‌شده حال ایشان خوب و رو به بهبود است. رحیمی درباره دستگیری این سارقان نیز گفت: تحقیقات و اقدامات پلیس برای دستگیری این افراد در دست انجام است.

قتل پدر به دست پسر

• فرزندی که پدر ۸۰ساله خود را در یکی از محله‌های بخش کاکی از توابع شهرستان دشتی به قتل رسانده بود، دستگیر شد.

سرهنگ جهانبخش صیادی، فرمانده انتظامی شهرستان دشتی اظهار کرد: در آذر سال ۹۹ گزارشی مبنی بر یک مورد فوت مشکوک فردی در منزل فرزندش در یکی از محله‌های شهر کاکی به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ اعلام شد. او افزود: با حضور مأموران انتظامی در محل، مشخص شد پیرمرد ۸۰ساله روی زمین افتاده و فوت کرده است. در این رابطه بررسی‌های تخصصی درخصوص علت وقوع این حادثه آغاز و جسد برای معاینه و کالبدشکافی به پزشکی قانونی منتقل شد.

فرمانده انتظامی شهرستان دشتی در استان بوشهر اضافه کرد: در تحقیقات اولیه، با توجه به وجود آثار کبودی و گذشت زمان از فوت پیرمرد ۸۰ساله، احتمال وقوع جنایت برای کارآگاهان متصور بود. سرهنگ صیادی اضافه کرد: پس از وصول نتیجه کالبدشکافی که نظریه جنایی‌بودن مرگ پدر ۸۰ساله را تأیید کرد، کارآگاهان پلیس آگاهی به یکی از فرزندان متوفی مظنون شدند و با هماهنگی با مرجع قضائی نام‌برده را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. وی تصریح کرد: متهم در تحقیقات فنی و تخصصی به قتل پدرش با استفاده از ضربه‌های متعدد وارده به قسمت‌های بدن متوفی با چوب معترف شد و انگیزه خود را از قتل، اختلافات مالی با پدرش اعلام کرد.

راهزنان ناشناس؛ متهمان قتل پسر جوان

شرق: پرونده قتل جوانی که به همراه دوستش گرفتار راهزنان شد و از پا درآمد، با آزادی تنها مظنون پرونده پیچیده‌تر شد.

به گزارش خبرنگار ما، این پرونده با شکایت پدر مقتول به جریان افتاد. او به مأموران گفت از دوست پسرش شکایت کرد. مرد میانسال به مأموران گفت: پسرم به نام هومن و دوستش در مشهد کار می‌کردند. آنها خیلی با هم صمیمی بودند اما یک روز دوست پسرم به من گفت فرزندم کشته شده است. جسد هومن را پلیس پیدا کرده اما من فکر می‌کنم دوست پسرم مظنون اصلی این پرونده است. پلیس تهران متوجه شد مأموران پلیس مشهد جسد هومن را شناسایی کرده‌اند. شواهد نشان می‌داد پسر جوان با ضربه‌های متعدد جسم سخت به سر و صورتش از پا درآمده است.

دوست هومن به نام آرش که در زمان حضور مأموران پلیس مشهد در محل حادثه با لباس‌های خونین کمی آن‌طرف‌تر از جسد حضور داشت، گفت: راهزنان به او و دوستش حمله کرده و آنها را زده‌اند.

جسد با دستور قضائی به پزشکی قانونی منتقل شد و آرش تحت بازجویی قرار گرفت. این پسر مدعی شد چند راهزن به او و هومن حمله کردند، آنها را تا سرحد مرگ کتک زدند و اموال‌شان را به سرقت بردند. تلاش پلیس برای به‌دست‌آوردن ردی از راهزنان آغاز شد؛ اما راه به جایی نبرد. به این ترتیب و با شکایت پدر هومن پرونده اتهامی آرش به جریان افتاد و از آنجایی که متهم و شاکی هر دو در تهران بودند، رسیدگی قضائی نیز در پایتخت انجام و آرش به‌عنوان تنها مظنون بازداشت شد و در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه اولیای‌دم درخواست قصاص را مطرح کردند. پدر هومن گفت: پسرم و آرش هر دو در مشهد در یک کارگاه رنگ‌کاری مبل کار می‌کردند. آنها رابطه خوبی با هم داشتند. نمی‌دانم چطور شد که آرش پسرم را کشت. من هنوز این ماجرا را باور ندارم و برای آرش اشد مجازات را می‌خواهم.

سپس متهم روبه‌روی قضات ایستاد و منکر اتهامش شد. او گفت: من بی‌گناه هستم و بی‌دلیل از یک سال قبل به زندان افتادم. من در زندان رجایی‌شهر شرایط سختی دارم و مستحق این همه سختی نیستم. او در تشریح ماجرای قتل دوستش گفت: ما سوار ماشین هومن شدیم و از مشهد به سمت تهران به راه افتادیم؛ اما در راه گرفتار راهزنان شدیم. چند مرد جوان به ما حمله کردند و قصد خفت‌گیری داشتند. آنها از ما خواستند پول و موبایل و ماشین‌مان را تحویل بدهیم اما ما مقاومت کردیم و آنها من و دوستم را تا سرحد مرگ کتک زدند. من توانستم از چنگال آنها فرار کنم؛ اما چون هومن گرفتار شده بود، زیر ضربه‌های مرگبار راهزنان جان سپرد. متهم ادامه داد: من چند ساعت بعد بار دیگر به محل برگشتم و با جسد دوستم روبه‌رو شدم. همان موقع پلیس هم رسیده بود که من دستگیر شدم. باور کنید من در مرگ دوستم دستی نداشتم و بی‌گناه به زندان افتادم.

او درحالی‌که اشک می‌ریخت گفت: من حتی در پلیس آگاهی نشانی از راهزنان دادم. چون نتوانستند آنها را شناسایی کنند من را بازداشت کردند. من وقتی بازداشت شدم خیلی ترسیده بودم به همین دلیل حرف‌های ضدونقیضی را مطرح کردم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده حکم برائت آرش و دستور آزادی او را صادر کردند.

نجات ۲ مادر از شرایط سخت با کمک نیکوکاران

شرق، شهریار کریمی: با گزارش «شرق» و یاری نیکوکاران هم‌وطن گره از مشکلات دو مادر دردمند که یکی در تنگنای مالی و در آستانه رفتن به زندان و دیگری برای تهیه داروی سرطان با مشکل مواجه بود، باز شد.

ناهید بهرامی مادری داغدار و هم‌وطن نیکوکار کرمانشاهی است که در سال ۱۳۷۹ با اهدای یک کلیه خود به یک هم‌وطن کرمانی زندگی دوباره بخشید، مهرماه سال ۹۷ نیز با وساطت خبرنگار ما با بخشش قاتل فرزندش بار دیگر به انسان دیگری زندگی بخشید. این مادر دردمند برای حل مشکلات یکی از همسایگانش که مهندسی جوان و بدهکار بود، ضامن وام بانکی او شده بود تا با گرفتن وام گره از مشکلاتش باز شود؛ اما این مهندس جوان پس از گرفتن وام از بانک از کشور خارج شد و دیگر هیچ‌گاه به وطن بازنگشت. در این میان ناهید گرفتار بازپرداخت وامی که ضامن آن شده بود، شد و با شرایط سخت اقتصادی این روزها هم اقساط وام مهندس فراری را پرداخت می‌کرد و هم هزینه‌های سنگین مستأجری و درمان بیماری مغزی خود را می‌پرداخت. سرانجام با مسدودشدن حقوق کارمندی این زن شرایط زندگی او سخت در تنگنا قرار گرفت تا جایی که دیگر ادامه زندگی برای او بسیار دشوار شده بود. با پیگیری‌های خبرنگار «شرق» و مساعدت بانک وام‌دهنده بخشی از بدهکاری ۳۵میلیون‌تومانی ناهید با حذف ۱۵ میلیون تومان جریمه دیرکرد بازپرداخت بخشیده شد و این مادر دردمند با پرداخت ۲۰ میلیون تومان می‌توانست اقساط وام تضمین‌شده را تسویه کند و از اجرای حکم جلب خلاص شود. با این وجود ناهید از پرداخت یکجای این مبلغ نیز ناتوان بود. با گزارش درخواست کمک منتشرشده «شرق» در سوم اسفندماه در کمتر از چند روز مبلغ ۲۱ میلیون تومان به حساب این مادر نیکوکار واریز شد و این زن مهربان با لطف هم‌وطنان نیکوکار پاسخ بخشی از کارهای نیک خود را گرفت و به روال عادی زندگی بازگشت. ناهید بهرامی که انتظار چنین حرکت خداپسندانه‌ای را از سوی هم‌وطنان نیکوکار نداشت، پس از تأمین این مبلغ در گفت‌وگو با خبرنگار ما بسیار خوشحال و شاداب به نظر می‌رسید و از هم‌وطنان نیکوکار کشور قدردانی کرد و گفت: «من نمی‌دانم با چه زبانی از هم‌وطنان عزیزم تشکر کنم. پس از اهدای کلیه به هم‌وطن کرمانی و همچنین بخشیدن قاتل پسرم ناگهان با ضامن‌شدن وام بانکی همسایه‌ام به مخمصه بدی گرفتار شدم و به این نتیجه رسیده بودم که خوبی به آدم‌ها هیچ بازتابی در این دنیا ندارد و بچه‌هایم هم مدام مرا به خاطر کارهایم سرزنش می‌کردند که چرا قاتل برادرمان را بخشیدی؟ چرا یک کلیه‌ات را اهدا کردی؟ چرا ضامن وام همسایه شدی؟ من هیچ جواب قانع‌کننده‌ای نداشتم به آنها بدهم». پس از این صحبت‌ها اشک از دیدگان ناهید جاری شد و در ادامه گفت: «حالا با سربلندی به بچه‌هایم جواب می‌دهم که انسانیت هنوز نمرده. درست است که آن مهندس از کشور فرار کرد اما هنوز آدم‌هایی هستند که قدر خوبی را می‌دانند و من هنوز به کارهایی که در راه خدا و تداوم انسانیت کردم افتخار می‌کنم و این راه را در باقی‌مانده عمرم ادامه می‌دهم. از طرف من به هم‌وطنان عزیزم بگویید خوشحالم که شما را دارم و خدا را شکر می‌کنم که آدم‌های خوب و مهربان هنوز هستند. اصلا فکرش را نمی‌کردم از این گرفتاری خلاص شوم». ناهید بهرامی درخصوص کلیه اهداشده‌اش و اینکه آیا در این ۲۰ سال از نظر جسمی دچار مشکل شده است یا نه، نیز گفت: «شکر خدا تا این لحظه هیچ مشکلی از نظر تک‌کلیه‌بودن ندارم و اهدای کلیه مرا با مشکل خاصی مواجه نکرده است. اما هم‌وطنانی که قصد اهدای کلیه دارند پیش از آن حتما باید با متخصص کلیه مشورت کنند و در صورت تأیید پزشک متخصص این کار را انجام دهند.

کام شیرین دومین مادر

دومین درخواست کمک نیز مربوط به مادری مبتلا به سرطان ریه بود. این مادر دردمند که «مژگان» نام دارد، هنوز در ماتم دو فرزند پسر خود بود که آنها نیز در نتیجه ابتلا به سرطان ریه جان خود را از دست داده بودند؛ اما خودش نیز به‌ناگاه به این بیماری کشنده مبتلا شد. همسر پیر و دو دختر جوانش در تأمین هزینه سنگین درمان او درمانده شده بودند و دو دختر او چند روز پیش از روز مادر در نهایت ناامیدی برای تأمین هزینه‌های درمان مادر خود از هم‌وطنان نیکوکار کشور درخواست کمک کردند. با توجه به هزینه سنگین با حمایت هم‌وطنان نیکوکار پیش از فرارسیدن روز مادر و با تأمین مبلغ ۷۴ میلیون تومان هزینه درمان یک‌ماه‌و ۱۵ روز این مادر را به حساب دخترش واریز کرده و خانواده او را تا ابتدای سال ۱۴۰۰ به ساحل آرامش رساندند. دفتر بیت یکی از مراجع تقلید قم که تأکید کردند نامشان فاش نشود با تأمین مبلغ ۵۰ میلیون تومان و همچنین یک مادر و دختر مدرسه‌ساز که از مخاطبان و یاری‌رسانان همیشگی روزنامه «شرق» هستند و آنها نیز همواره خواستار مخفی‌ماندن نامشان هستند با تأمین مبلغ ۱۰ میلیون تومان به مژگان کمک کردند و ۱۴ میلیون دیگر نیز توسط سایر هم‌وطنان به حساب این خانواده واریز شد. همچنین مادر و دختر مدرسه‌ساز به تازگی برای آرامش روح یک دوست ازدست‌رفته مبلغ ۲۰ میلیون تومان صرف آزادی یک زندانی محکوم به قصاص کردند. «باران»، دختر بزرگ مژگان درخصوص بیماری مادرش و کمک هم‌وطنان نیکوکار به «شرق» گفت: «شیمی‌درمانی با سرم و آمپول در کرمانشاه آغاز شد، اما بدن پیر و ضعیف مادر تاب مقاومت در برابر این داروها را نداشت. ما به‌ناچار مادر را به تهران انتقال دادیم. با تشخیص کمیسیون پزشکان متخصص و فوق‌تخصص بیمارستان «مسیح دانشوری» تنها راه معالجه مادر را در شیمی‌درمانی با استفاده از تک‌دارویی ویژه و کمیاب به‌نام «تی‌کرب» یافتند که در کل کشور فقط در داروخانه دکتر «نوید شریفیان» در تهران یافت می‌شد. اما هزینه ماهانه این دارو ۶۰ میلیون تومان است که با عنایت و تخفیف داروخانه دکتر شریفیان ۵۰ میلیون تومان شد. ماه‌های اول با وجود شاغل‌بودن من، پدر و خواهرم باز هم از پس هزینه‌های درمان برنیامدیم و با فروش اتومبیل من و پدر و لوازم لوکس منزل و طلای مادر، من و خواهرم توانستیم هزینه داروها را تأمین کنیم. با کمک هم‌وطنان نیکوکار تاکنون شش ماه و شش دوره درمان را سپری کردیم و اکنون راه سخت شش دوره درمان باقی مانده است. در ابتدا ماهانه داروها را تهیه می‌کردیم ولی حالا با توجه به زیادشدن تقاضای بیماران برای این دارو، تنها داروخانه کشور آن را به صورت دو هفته یک بار و گاهی هفته‌ای یک بار در اختیار بیماران قرار می‌دهد و ما برای تهیه این دارو هر هفته باید به تهران بیاییم. متأسفانه هیچ مؤسسه خیریه‌ای بیماران مسن را پوشش نمی‌دهد و تنها با گزارش روزنامه «شرق» فقط مؤسسه خیریه «سمر» ماهانه ۹۰۰ هزار تومان به ما کمک کرد که این هم جای قدردانی دارد. من نمی‌دانم چه کسانی به خانواده ما و مادرم کمک کردند اما هر کس که بودند بهترین روز مادر را برای مادرم و خانواده ما ساختند. پدرم در جریان درخواست کمک ما نبود و مرتب سؤال می‌پرسید این پول از کجا آمده؟ نهایتا زمانی که تشویش پدر را دیدیم روزنامه را به او نشان دادیم و او را در جریان درخواست کمک در روزنامه قرار دادیم. بعد او در اتاق رفت و ساعت‌ها بیرون نیامد. فکر می‌کنم در تنهایی در اتاق گریه می‌کرد، اما نفهمیدم گریه‌اش از خوشحالی بود یا از ناراحتی. من از طرف خانواده‌ام از همه هم‌وطنان تشکر می‌کنم. می‌دانم درخواست بزرگی است اما به هم‌وطنان بگویید شما را به عزیزی و قداست مادرهایتان شش دوره باقی‌مانده هم ما را تنها نگذارید. این ماه با پس‌انداز پدر، من و خواهرم هشت میلیون جمع کرده‌ایم و تا ۵۰ میلیون برای داروهای فروردین ۱۴۰۰ خیلی فاصله داریم. اما دلم به لطف خدا و کمک هم‌وطنان روشن است». خانواده باران فاکتورهای خرید هر دوره دارو را برای خبرنگار «شرق» ارسال کرده و صحت فاکتورها توسط داروخانه دکتر نوید شریفیان تأیید شده است. با کمک و یاری‌رسانی هم‌وطنان نیکوکار تا پایان اسفندماه داروهای این مادر سرطانی تأمین شده است. هم‌وطنان نیکوکار و مؤسسات خیریه که کماکان تمایل به یاری‌رسانی به خانواده محترم این بیمار سرطانی جهت تأمین داروهای فروردین ماه سال ۱۴۰۰ را دارند، می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره کارت ۶۲۱۹۸۶۱۰۵۱۳۸۳۴۳۷ به نام باران عظیمی‌نسب واریز کنند و عید این خانواده را مملو از شادی کنند. مدارک ارائه‌شده از سوی این خانواده برای ارائه به نیکوکاران هم‌وطن و مؤسسات خیریه به خبرنگار «شرق» سپرده شده است.

رخداد

زندگی با اسکلت همسر از ترس تنهایی

• مردی در ایرلند به دلیل ترس از تنهایی چندین سال با اسکلت همسرش زندگی کرد.

دانیل مالی ۷۸ساله بقایای همسرش را که به مرگ طبیعی درگذشته بود، در خانه نگه داشت. وی به پلیس اعتراف کرد که نمی‌خواهد با ناپدیدشدن همسرش کنار بیاید و پس از مرگش از او جدا شود. مجریان قانون تحقیقات در مورد شرایط مرگ این زن را آغاز کرده‌اند.

هر کسی از این مرد درباره همسرش می‌پرسید، وی پاسخ می‌داد که همسرش، کریستینا در خارج از کشور است.

جسد این مستمری‌بگیر چند روز پیش پیدا شد. این ماجرا زمانی فاش شد که زن برای واکسیناسیون حاضر نشد و خدمات‌رسان‌های پزشکی نگران شدند. پزشکان با همسایه این زن و شوهر مصاحبه کردند و او پاسخ داد که هیچ کریستینایی را نمی‌شناسد و فقط دانیل مالی را در خانه آنها می‌بینند. طبق اسناد، این زوج در سال ۱۹۷۶ ازدواج کردند. در سال ۱۹۹۵ آنها به خانه‌ای نیمه‌مستقل در کبه نقل مکان کردند. کریستینا مالی اکنون باید بیش از ۸۰ سال سن می‌داشت.

سارقان حرفه‌ای موتورسیکلت به دام افتادند

• **شرق:** رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری دو سارق موتورسیکلت و کشف یک دستگاه موتورسیکلت به ارزش ۵۰ میلیون تومان از سارقان، خبر داد.

سرهنگ کارآگاه سعید مجیدی گفت: با توجه به وقوع سرقت‌های سریالی و متعدد موتورسیکلت، کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت وسائط نقلیه پایگاه مأموریت یافتند برای بررسی دقیق و به‌دست‌آوردن سرنخ‌های لازم در محل‌های سرقت حاضر و سرنخ‌هایی از سارقان را برای دستگیری و کشف سرقت‌ها جمع‌آوری کنند.

وی ادامه داد: کارآگاهان حین بازدید صحنه سرقت موتورسیکلت یکی از شاکیان در خیابان شمیران نو موفق به کشف سرنخ‌هایی از سارق شدند و با بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف صحنه جرم مشخص شد جوانی حدودا ۲۰ساله به همراه یک نفر که سر و صورت وی پوشیده است اقدام به سرقت کرده‌اند. رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی ابراز کرد: سرنخ‌های به‌دست‌آمده از صحنه جرم آنالیز شد و کارآگاهان باتجربه ضمن بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و علمی کشف جرم موفق به شناسایی سارق به نام «حمید» ۲۲ساله تبعه افغانستان دارای سابقه سرقت شدند. این مقام انتظامی تصریح کرد: حمید در یک عملیات پلیسی در مخفیگاه خود دستگیر شد. او در ابتدا منکر سرقت بود اما پس از ارائه ادله و مستندات توسط کارآگاهان این پایگاه لب به اعتراف گشود و اعلام کرد: به همراه شخصی به نام «حیدر» تبعه افغانستان ۱۹ساله که هم‌اتاقی من است موتورسیکلت را سرقت کردیم و در حال حاضر موتورسیکلت در اختیار همدست من است. مجیدی گفت: کارآگاهان با اعتراف صریح حمید دستگیری همدست او را در دستور کار قرار داده و موفق می‌شوند حیدر را حین تردد با موتورسیکلت مسروقه دستگیر کنند که او نیز به جرم خود اعتراف کرد، هر دو متهم برای کشف سایر سرقت‌ها و شناسایی شاکیان احتمالی در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفتند.

جدول ۳۹۰۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بالایی- کوچه یک‌طرفه- وارونه‌اش خوب نیست! ۲- گذشته- رمانی از احمد محمود ۳- رمانی نوشته ایوان تورگنیف روسی- آن را که ... نیست ز عالم کم باد- سوپ روسی۴- طلا- متخصص در کارهای ساختمانی- چشم زیبا و دلفریب ۵- مربوط به هجرت- قلزم- مرکز ۶- واحد اندازه‌گیری توان الکتریکی- بخش پایینی شلوار- پندار ۷- میعادگاه حافظ- قرارداد صلح متفقین و متحدین در پایان جنگ جهانی اول- مخترع تلفن ۸- نی باریک- دچار توهم- فراخواندن ۹- روستا- رکگویی- به‌وجودآمدن ۱۰- بلدرچین- حد معین از چیزی- میان شکم ۱۱- در خواب می‌کشند- میوه پاییزی- قلب این حیوان در سر آن قرار دارد ۱۲- جهان دیگر- به درستی که- تکرار حرفی ۱۳- مزه حقیقت!- طایفه- برچسب قیمت ۱۴- از نوازندگان فقید و برجسته پیانوی ایرانی- بذله‌گو ۱۵- ضربه سر در فوتبال- سایه کسی را با تیر زدن- تعاون

عمودی:

۱- صدای پنچری- خنده از روی خشم و کینه- بخش پایانی ۲- اسرافکار- اسب آزموده- از القاب اشرافی اروپایی ۳- پشت سر- شیوه و روش- معرفت ۴- به سختی یافت می‌شود- پرده گوش- مخالف ۵- دعای صبح جمعه- مقابل تقدم- شعرگفتن ۶- یاقوت- دیگ دهان‌گشاد- جانشین وضو در مواقع ناچاری ۷- میگرن- آمارگیری- آهنگ بیان ۸- خدای سنگی- روشی در بازی شطرنج- قدیمی‌ترین پل اصفهان ۹- کشتی جنگی- نمایش با ساز و آواز- غذای اصلی خرس پاندا ۱۰- ترکیب آبی و قرمز- جلگه پهناور در نواحی نیمه‌خشک- زن ساکن صومعه ۱۱- نوعی بیماری گیاهی قارچی- رسم و سنت- خوابیده ۱۲- تنها- از برادران حضرت یوسف (ع) - پایین لباس ۱۳- در هنگام شب- فیلتر- حکمت ارسطو ۱۴- روزگار- ورزشگاه مشهور انگلستان- فلزی که روی آن تصویری برای چاپ حک می‌شود ۱۵- سرخ‌کردن- کرکس- مشک

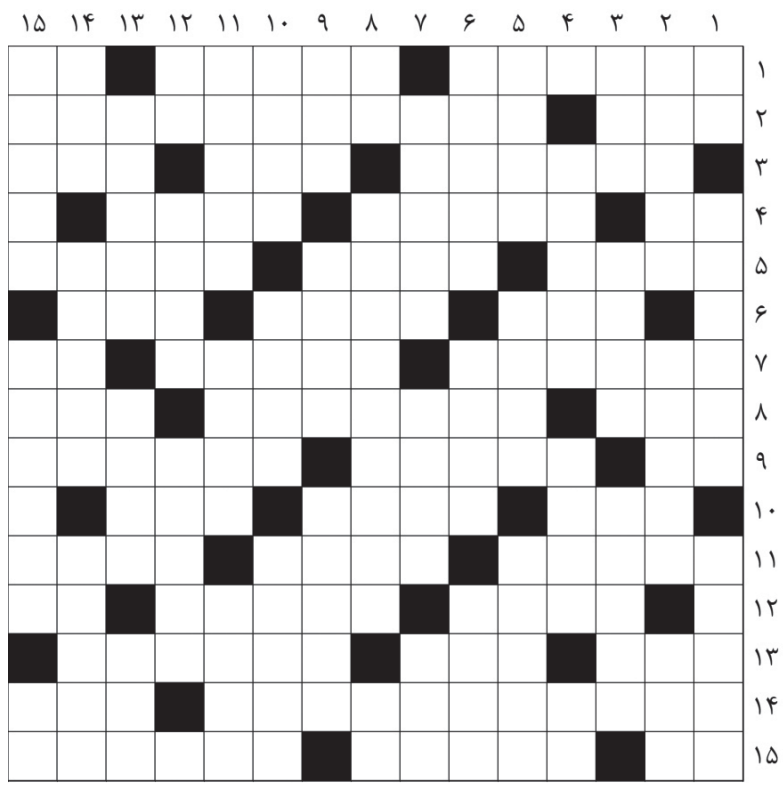

حل سودوکو سخت

حل سودوکو ۲۸۹۸

جدول ۳۹۰۲

سودوکو سخت ۲۸۹۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۹	۳				۲	۷	
				۸			۹	۳
					۲	۴		۱
			۵				۱	
		۸				۵		
	۲				۷			
۵		۷	۲					
۹	۳			۴				
	۸	۱				۶	۵	

سودوکو ساده ۲۸۹۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱			۹					۳
					۳		۲	۵
		۸				۱		
۶	۱				۵	۷	۴	
۷	۸			۴			۳	۹
	۵	۹	۷				۶	۱
		۱				۴		
۳	۲		۱					
۵				۶				۷